

[جواز قتل در مسأله‌ی مرتکب فحشا با همسر اختصاص به زانی دارد 1](#_Toc536674403)

[عدم اطلاق در روایات نسبت به قتل زانی 2](#_Toc536674404)

[اشکال به عدم وجود اطلاق در مقام 2](#_Toc536674405)

[جواز قتل زانی به همسر مشروط به معاینه 2](#_Toc536674406)

[اشکال به این شرط 2](#_Toc536674407)

[جواز قتل زانی به همسر مشروط به احصان 3](#_Toc536674408)

[اشکال به این شرط 3](#_Toc536674409)

**موضوع**: شرط پنجم: مقتول محقون الدم باشد /شروط قصاص /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در شرط پنجم قصاص بود که در ضمن این شرط به این نتیجه رسیدیم که از شروط قصاص این است که قتل، مجاز نباشد و به مناسبت این شرط وارد مسأله ای شدیم که در کلام مرحوم خوئی به آن اشاره شده است و صغرایی از صغریات این شرط است و آن هم اینکه اگر مردی مشاهده کرد که مردی در حال ارتکاب عمل شنیع با همسرش است می تواند هر دو را طبق نظر مشهور بکشد. در انتهای این بحث چند نکته هست که باید تذکر داده شود.

# جواز قتل در مسأله‌ی مرتکب فحشا با همسر اختصاص به زانی دارد

آنچه در کلام مشهور فقهاست این است که زوج می تواند هر دو را بکشد ولی آنچه در روایت آمده است همانطور که مرحوم آقای خوئی فرموده است اختصاص به قتل رجل زانی دارد در روایت آمده بود «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ‏ إِنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ ص قَالُوا لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ أَ رَأَيْتَ لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بَطْنِ‏ امْرَأَتِكَ‏ رَجُلًا مَا كُنْتَ‏ صَانِعاً بِهِ‏ قَالَ كُنْتُ أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ قَالَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَا ذَا يَا سَعْدُ قَالَ سَعْدٌ قَالُوا لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِكَ رَجُلًا مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِهِ فَقُلْتُ أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ فَقَالَ يَا سَعْدُ وَ كَيْفَ بِالْأَرْبَعَةِ الشُّهُودِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِي وَ عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ قَالَ إِي وَ اللَّهِ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَ عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ حَدّاً وَ جَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدّاً»[[1]](#footnote-1)

ادله‌ی دیگر هم در مورد زوج هست به جز مرسله ای که در کلام شهید در دروس[[2]](#footnote-2) آمده است. پس دلیلی بر جواز قتل زوجه نداریم.

# عدم اطلاق در روایات نسبت به قتل زانی

مرحوم آقای خوئی[[3]](#footnote-3) فرموده است که اگر دلالت روایات را قبول کنیم که جواز قتل را می رساند ولی این روایات نسبت به همه‌ی حالات اطلاق ندارد یعنی روایات می گوید همان لحظه که دارد مرتکب عمل شنیعه می شود می توان او را کشت اما اگر فرار کرد اجازه‌ی قتل او را بعدا ندارد و جواز قتل فقط اختصاص به همان مجلس خاص دارد.

## اشکال به عدم وجود اطلاق در مقام

به نظر ما این روایات که مهمترین آنها صحیحه‌ی داود بن فرقد بود اطلاق داشت زیرا فقط گفت باید شاهد را بتوانی حاضر کنی و اگر شاهد داشته باشی ولو بعدا هم او را بکشی قصاص منتفی است. اگر هم بگوئیم روایات چنین اطلاقی ندارد متفاهم عرفی این است که مجلس خصوصیت ندارد آنچه مهم است همان ارتکاب عمل شنیع است که جواز قتل به همراه می آورد.

# جواز قتل زانی به همسر مشروط به معاینه

نکته ای که در کلام صاحب جواهر[[4]](#footnote-4) آمده است این است که جواز قتل آنطور که مستفاد از روایات است مشروط به معاینه و مشاهده‌ی زوج است. پس اگر بینه قائم بر ارتکاب این عمل شد یا خود زانی اقرار کرد اینها مجوز برای قتل نیست چون اخذ به بینه و سماع اقرار مربوط به حاکم است.

## اشکال به این شرط

به نظر ما این کلام هم تمام نیست چون جدای از الغای خصوصیت در خود روایت آمد که حضرت به سعد فرمودند که شاهد را چه کار می کنی. یعنی اگر شاهد باشد قضیه تمام است و جواز قتل وجود دارد.

پس مهم تحقق این عمل شنیع است و عناوینی مانند رؤیت و علم که در روایات آمده طریقیت دارند.

# جواز قتل زانی به همسر مشروط به احصان

عده ای از فقها گفته اند جواز قتل زانی و زوجه در این صورت مشروط به تحقق شروط زنای محصنه است. پس اگر احصان نبود نمی تواند آنها را بکشد. مثلا اگر مردی مدتی از زن دور است که دسترسی هم به او نیست اینجا شرط احصان محقق نمی شود پس زوجه محصنه محسوب نمی شود و زوج نمی تواند قتل را مرتکب شود.

## اشکال به این شرط

مرحوم صاحب جواهر[[5]](#footnote-5) می فرماید این شرط مقبول نیست به دلیل اینکه این شرط مربوط به محکمه است یعنی اگر کار به محکمه رسید و قاضی خواست حکم کند حکم قتل مشروط به احصان است و اگر محصنه نباشد حکم دیگری مثلا جلد دارد. ولی در ما نحن فیه روایت مطلق است و مقید به احصان نشده است و موجبی برای تقیید روایت نداریم.

دو شرط دیگر در مقام ذکر شده که باید آنها را بررسی کنیم یکی از اینها را صاحب وسائل حداقل قائل است و دیگری را عده ای قائل اند. اما شرط اول که صاحب وسائل قائل شده این است که یکی از شروط قصاص این است که ولی قصاص، بدوی نباشد حال بدوی یا به معنای بادیه نشین و یا به معنای کسی که در وادی کفر است. ایشان بابی را منعقد کرده است به عنوان «بَابُ أَنَّهُ لَيْسَ لِلْبَدَوِيِّ أَنْ يَقْتُلَ مُهَاجِرِيّاً قِصَاصاً حَتَّى يُهَاجِرَ وَ لَهُ الْمِيرَاثُ وَ نَصِيبُهُ مِنَ الدِّيَةِ»[[6]](#footnote-6) شرط دیگر که در بعضی کلمات ذکر شده این است که مؤمن یعنی شیعه را در مقابل غیر مؤمن یعنی اهل سنت قصاص نمی کنند که در کلام صاحب وسائل آمده است: «أَنَّهُ لَا يُقْتَلُ الْمُؤْمِنُ بِغَيْرِ الْمُؤْمِن‏» ولی مشهور قائل به این قول نیستند.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص176.](http://lib.eshia.ir/11005/7/176/فرقد) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، محمد بن مکی (الشیهد الاول)، ج2، ص48.](http://lib.eshia.ir/10020/2/48/يزني) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مبانی تکملة المنهاج، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص87.](http://lib.eshia.ir/21001/2/87/تتم) [↑](#footnote-ref-3)
4. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج41، ص370.](http://lib.eshia.ir/10088/41/370/بمشاهدة) [↑](#footnote-ref-4)
5. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج41، ص370.](http://lib.eshia.ir/10088/41/370/بالإمام) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص117، أبواب أنه ليس للبدوي أن يقتل مهاجريا قصاصا حتى يهاجر، باب55، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/117/٣٥٢٩٢) [↑](#footnote-ref-6)